

باسمه تعالی

اسباب نزول^۱

چنانکه تذکر داده شد بسیاری از سور و آیات قرآنی از جهت نزول با حوادث و وقایعی که در خلال مدت دعوت اتفاق افتاده ارتباط دارد مانند سوره بقره و سوره حشر و سوره عادیات یا نیازمندیهایی از جهت روشن شدن احکام و قوانین اسلام موجب نزول سور یا آیاتی شده که احکام مورد نیاز را بیان میکند مانند سوره نساء و انفال و طلاق و نظائر آنها.

این زمینه‌ها را که موجب نزول سوره یا آیه مربوطه میباشد اسباب نزول میگویند و البته دانستن آنها تا اندازه‌ای انسان را از مورد نزول و مضمونی که آیه نسبت بخصوص مورد نزول خود بدست می‌دهد روشن ساخته کمک میکند.

و ازین روی گروه انبوهی از محدثین صحابه و تابعین در صدر اسلام بضبط و روایت اسباب نزول همت گماشته بودند و اخبار بیشماری درین باره نقل نموده‌اند.

چرایی ضعیف بودن اخبار سبب نزول

این روایات از طرق اهل سنت بسیار زیاد است و به چندین هزار روایت میرسد و از طرق شیعه کم و شاید از چند صد بیشتر نباشد، البته همه روایات هم مسند و صحیح نیست بلکه بسیاری از آنها غیر مسند و ضعیفند.

ولی تتبع این روایات و تأمل کافی در اطراف آنها انسان را نسبت بآنها بدبین میکند:

اولا سیاق بسیاری از آنها پیدا است که راوی ارتباط نزول آیه را در مورد حادثه و واقعه بعنوان مشافهه و تحمل و حفظ بدست نیاورده بلکه قصه را حکایت میکند سپس آیاتی را که از جهت معنی مناسب قصه است بقصه ارتباط میدهد و در نتیجه سبب نزولی که در حدیث ذکر شده سبب نظری و اجتهادی است نه سبب نزولی که از راه مشاهده و ضبط بدست آمده باشد.

و گواه این سخن اینکه در خلال این روایات تناقض بسیار بچشم میخورد باین معنی که در بسیاری از آیات قرآنی در ذیل هر آیه چندین سبب نزول مناقض همدیگر نقل شده که هرگز با هم جمع نمیشوند حتی گاهی از یک شخص مانند ابن عباس با غیر او در یک آیه معین چندین سبب نزول روایت شده.

ورود این اسباب نزول متناقض و متهافت یکی از دو محمل بیشتر ندارد یا باید گفت: این اسباب نزول نظری هستند نه نقلی محض و هر یک از روایات مناقضه آیه را بیکی از قصه‌های مناسب خوابانیده که غیر از قصه‌ای است که در روایت

۱. منبع این بحث، بخش پنجم کتاب قرآن در اسلام علامه طباطبائی، ذیل بحث اسباب نزول است.

دیگر میباشد و همچنین، یا یک شخص مثلا که دو سبب نزول متخالف روایت میکند گرفتار دو نظر مخالف گردیده و پس از نظر اولی مثلا بسوی نظر دومی عدول نموده است و یا باید گفت همه روایات یا بعضی از آنها جعل یادس شده است.

با تحقق چنین احتمالاتی روایات اسباب نزول اعتبار خود را از دست خواهد داد و ازین روی حتی صحیح بودن خبر از جهت سند سودی نمی‌بخشد زیرا صحت سند احتمال کذب رجال سند را از میان میبرد یا تضعیف مینماید ولی احتمال دس یا اعمال نظر در جای خود باقی است.

و ثانیاً از راه نقل بثبوت رسیده که در صدر اسلام مقام خلافت از ثبت حدیث و کتابت آن شدیداً مانع بود و هر جا ورقه و لوحی که حدیثی در آن نوشته شده بود بدست می‌آوردند توقیف کرده میسوزانیدند و این قدغن تا آخر قرن اول هجری یعنی تقریباً نود سال ادامه داشت.

این رویه راه نقل بمعنی را بیشتر از حد ضرورت به- روی روایت و محدثین باز کرد و تغییرات ناچیز که در هر مرتبه نقل روایت پیش می‌آمد کم کم روی هم تراکم نموده گاهی اصل مطلب را از میان میبرد و این معنی با مراجعه بمواردی که در یک قصه یا مطلب روایات از طرق مختلفه وارد شده است بسیار روشن است، انسان گاهی بروایاتی بر میخورد که در قصه‌ای که مشترکاً بشرح آن میپردازند هیچ جهت جامعه ندارند البته شیوع نقل بمعنی با این گلو- گشادی اعتباری برای اسباب نزول باقی نمیگذارد یا دست- کم از اعتبارشان می‌کاهد.

و وقتیکه شیوع جعل و دس و مخصوصاً دخول اسرائیلیات و آنچه از ناحیه منافقین که شخصاً شناخته نمی‌شدند ساخته شده و داخل روایات گردیده است بمسئله نقل بمعنی و آنچه در اشکال اول ذکر شد اضافه شود، اعتمادی باسباب نزول باقی نخواهد ماند.

روش صحیح برخورد با اخبار سبب نزول

چنانکه در فصلهای گذشته روشن شد حدیث در اعتبار خود بتأیید قرآن مجید نیازمند است و روی این اساس چنانکه در اخبار بسیاری از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) وارد شده است باید حدیث را بقرآن عرضه داشت.

بنابراین سبب نزولی که در ذیل آیه‌ای وارد شده در صورتیکه متواتر یا خبر قطعی الصدور نباشد باید بآیه مورد بحث عرضه و تنها در صورتیکه مضمون آیه و قرائنی که در اطراف آیه موجود است با آن سازگار بود بسبب نزول نامبرده اعتماد شود و بالاخره روایت را باید با آیه تأیید نمود و تصدیق کرد نه اینکه آیه را تحت حکومت روایت قرار داد.

باین ترتیب اگر چه مقدار زیادی از اسباب نزول سقوط میکند ولی آنچه از آنها میماند کسب اعتبار میکند و اساساً مقاصد عالیه قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی میباشند (چنانکه خواهد آمد) در استفاده خود از آیات کریمه قرآن نیازی قابل توجه یا هیچ نیازی بروایات اسباب نزول ندارند.